



## حدیث سلسله‌الذهب نقطه عطفی در جهان اسلام است

استاد حوزه و دانشگاه گفت: امام رضا(ع) با اقتدار و عظمت وارد شهر نیشابور می‌شوند و علمای عامه هم خدمت ایشان رسیدند و حتی به خاک پای مرکب امام تبرک می‌کردند.

استاد حوزه و دانشگاه گفت: امام رضا(ع) با اقتدار و عظمت وارد شهر نیشابور می‌شوند و علمای عامه هم خدمت ایشان رسیدند و حتی به خاک پای مرکب امام تبرک می‌کردند. اینها نشان می‌دهد جریان حدیث سلسله‌الذهب یک جریان ساده تاریخی نبوده بلکه نقطه عطفی در جهان اسلام بوده است.

### حجت الاسلام محسن طبسی

حجت الاسلام والمسلمین محسن طبسی، استاد حوزه و دانشگاه، در گفت‌وگو با ایکننا، به بیان نکاتی درباره حدیث سلسله‌الذهب پرداخت و گفت: یکی از اتفاقاتی که هم سنگ واقعه غدیر خم است در تاریخ اهل بیت(ع) در سال ۲۰۰ هجری قمری در شهر نیشابور به وقوع پیوست. هدف مامون عباسی این بود که امام رضا(ع) را از مدینه به صورت مخفیانه و از جاهایی بیاورد که تأثیری از سوی امام رضا(ع) بر آن منطقه واقع نشود اما «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد» چراکه هرچا امام رضا(ع) وارد شدند منشأ اثر شدند مخصوصاً در جریان ورود تاریخی امام رضا(ع) به شهر نیشابور این اتفاق رخ داد. تأثیر نیشابور در تاریخ اسلام

وی افزود: شهر نیشابور در سال ۲۰۰ هجری قمری یکی از پایگاه‌های عالمان به نام بوده و حتی مردمان عادی آنجا هم حدیث می‌شنیدند و حدیث نقل می‌کردند و این نشان می‌دهد در آن زمان این شهر تأثیر زیادی در جهان اسلام داشته است. وقتی امام رضا(ع) وارد شهر نیشابور شده و مردم و عالمان بزرگ خبردار شدند نقشه‌های مامون به هم ریخت چون همگی خدمت امام رسیدند. البته اینها اصل واقعه است و معمولاً حواشی ماجرا می‌تواند برای افراد جذاب تر باشد.

طبسی یادآور شد: برخی مورخان درباره حدیث سلسله‌الذهب گفته‌اند ده هزار نفر، برخی گفته‌اند بیست و برخی گفته‌اند سی هزار نفر در آنجا دست به قلم بوده‌اند تا این حدیث را بنویسند و این نشان می‌دهد که این واقعه هم سنگ واقعه غدیر خم و یادآور ثبت آن حدیث است لذا می‌بینیم در کتاب‌های متعدد از اهل عامه و همچنین کتاب‌های تاریخی امامیه، واقعه حدیث سلسله‌الذهب، به صورت مفصل بیان شده است. نکته دیگر درباره این حدیث، این است که روش و منش امام رضا(ع) این بود که وقتی می‌خواستند هر حدیثی را نقل کنند به صورت «روایت الابنا عن الآباء» بوده است یعنی می‌فرمودند پدرم موسی ابن جعفر از پدرشان، و امام باقر از امام سجاد، امام سجاد از امام حسین، امام حسین از امیرالمؤمنین، امیرالمؤمنین از پیامبر و پیامبر از جبرئیل اینچنین نقل کرده‌اند. لذا حدیث سلسله‌الذهب هم یک حدیث خاص و منحصر فرد به لحاظ دلالت حدیث است.

وی با بیان اینکه برخی تصور می‌کنند حدیث سلسله‌الذهب فقط همین حدیثی است که در نیشابور توسط امام رضا(ع) بیان شده است، گفت: این درست نیست بلکه روش و منش ایشان در جاهای مختلف این بود که این حدیث را به شکل زنجیره‌های طلاپی بیان کنند اما در واقعه نیشابور، وقتی این حدیث را بیان فرمودند همانند بمب در میان امت اسلامی صدا داد. برخی می‌گویند امام این حدیث را در هنگام ورود و برخی می‌گویند در هنگام خروج از نیشابور بیان کردند اما به هر حال آنچه مهم است این است که امام رضا(ع) حدیث «كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي آمِنَ مِنْ عَذَابِي» را بیان کردند؛ بدین معنا که کلمه «لا إله إلا الله» دژ مستحکم الهی است. ادامه حدیث نیز مهم است که فرمودند کسی که می‌خواهد وارد این دژ شده و از عذاب الهی ایمن باشد شرط و شروطی دارد و من از شروط آن هستم. در اینجا منظور شخص امام رضا(ع) نیست بلکه مقصود امامت و مقام ولایت است. لذا این حدیث مسئله توحید و امامت را به هم پیوند داده و نشان می‌دهد این دو مسئله اعتقادی از هم جدا نیستند. لذا کسانی که ادعای موحد بودن دارند ولی امامت را قبول ندارند در واقع اهل توحید نیستند. به همین دلیل امام رضا(ع)، توحید و امامت را توأمان می‌دانند.

دیدگاه اهل سنت درباره حدیث سلسله‌الذهب

استاد حوزه و دانشگاه افزود: از نکات دیگری که درباره حدیث سلسله‌الذهب در کتب عامه می‌توانیم به عنوان حاشیه‌های مهمتر از متن مورد توجه قرار دهیم دیدگاه‌های عالمان عامه درباره آن است؛ مثلاً احمد بن حنبل، متوفای ۲۴۱ که هم عصر امام رضا(ع) است به عظمت این سلسله سند طلاپی اقرار می‌کند و می‌گوید اگر این سلسله سند بر مجنون و دیوانه خوانده شود همانا شفا پیدا می‌کند. همچنین ابن ماجه قزوینی که از نویسندگان سنن و متوفای ۲۷۵ هجری قمری است در کتاب سنن، این حدیث را البته با دلالت ایمان نقل می‌کند و می‌گوید اگر این سلسله سند بر شخص دیوانه ای خوانده شود قطعاً شفا پیدا می‌کند.

ابوحاتم رازی هم همین جمله را در عظمت حدیث سلسله‌الذهب تکرار می‌کند.

وی افزود: محمد بن حسین آجری حنبلی مذهب نیز در کتاب خود وقتی به این حدیث می‌رسد می‌گوید این حدیث یکی از اصول بزرگ ایمان است. وی سلسله سند را هم بسیار تعظیم می‌کند. ابونعیم اصفهانی از علمای عامه، این حدیث را در «تاریخ اصفهان» نقل کرده و از آن تجلیل می‌کند و می‌گوید این سلسله سندی از آن احادیث کمیاب یا نایاب است. بیهقی، ابن قدامه و زمخشری نیز از کسانی هستند که وقتی به این سلسله سند می‌رسند در برابر آن اظهار خضوع می‌کنند. حواشی حدیث

طیبسی در ادامه گفت: از حواشی حدیث سلسله‌الذهب می‌توان به مواضع علمای عامه در آن زمان نسبت به ورود امام رضا(ع) و حرکات عجیبی که از آنها نقل شده اشاره کنیم. مثلاً در گزارش واقعی آمده وقتی امام رضا(ع) وارد نیشابور شدند بسیاری از علما با وجود عظمتی که در نزد مردم داشتند اما به استقبال ایشان آمدند تا به احادیث امام رضا(ع) متبرک شوند. این یکی از حواشی است که اگر از اصل واقعه مهم‌تر نباشد کمتر نیست. در گزارش ابن جوزی حنبلی هم آمده است وقتی امام رضا(ع) وارد نیشابور شدند کسانی همانند اسحاق بن راهویه، که به عنوان امام اهل خراسان در آن زمان شناخته شده به استقبال امام می‌آید و التماس می‌کند که امام برای وی حدیثی نقل کند.

حجت الاسلام طیبسی بیان کرد: همچنین نقل شده برخی علما همانند ابوزرعه رازی و محمد بن اسلم طوسی به همراه شاگردان خود محضر امام آمدند و گریه و زاری کردند که امام رضا(ع) فقط سیمای مبارک خود را به آنها نشان دهند و حدیثی برای آنها نقل کنند. همچنین نقل شده وقتی وارد نیشابور شدند عالمان بزرگ عامه با هم رقابت می‌کردند که لجام مرکب امام را بگیرند و برای نقل حدیث به وی التماس می‌کردند. ابن صباغ مالکی از حاکم نیشابوری در جریان این حدیث نقل می‌کند که خلق عظیمی به استقبال امام آمدند که سرفافله آنها علمای بزرگ عامه در آن زمان بودند و می‌گفتند ای پسر اهل بیت به حق پدران تو قسمت می‌دهیم که رخ زیبایت را از درون کجاوه بیرون بیاور و برای ما حدیث بگو. در این شرایط ضجه‌های مردم از شوق بلند می‌شود. این موارد نشان می‌دهد که امام با چه اقتدار و عظمتی وارد شهر نیشابور می‌شوند و علمای عامه هم به چه شیوه‌ای خدمت ایشان رسیدند و حتی به خاک پای مرکب امام تبرک می‌کردند. اینها نشان می‌دهد جریان حدیث سلسله‌الذهب یک جریان ساده تاریخی نبوده بلکه نقطه عطفی در جهان اسلام بوده است.